

ما می گوئیم:

۱. ماحصل فرمایش مرحوم آخوند آن است که بین «طلب یک شی» و «منع از ترک آن»، ملازمه بین به معنی اعم برقرار است و چون سابقاً گفتیم که دلالت شی بر لازم بین به معنی اعم و لازم غیر بین، از دلالات لفظی نیست، لذا طبق نظر ایشان، دلالت امر به شی بر نهی از ضد، از زمره دلالت عقلی است. مرحوم مشکینی همین را تصریح می کند:

«أن اللزوم ليس من قبيل البين بالمعنى الأخص، لأنه لا يلزم من مجرد تصوّر الوجوب تصوّر المنع من الترك، ولا من قيل غير البين، لأنّ ثبوته له لا يحتاج بعد التصوّرات الثلاثة إلى شيء آخر.»<sup>۱</sup>

۲. مرحوم شوشتری در منتهی الدرايه وجه «فافهم» در کلام مرحوم آخوند را به دو احتمال برگردانده است که هر دو موید مرحوم آخوند است:

«لعلّه إشارة إلى: أن توجيه دعوى العينية بما ذكر: من نسبة الطلب إلى الترك بالعرض و المجاز لا يجدى القائلين بالعينية، لأنّ مقصودهم بها ظاهراً هي الدلالة المطابقة الوضعية، و مرجع التوجيه المزبور إلى الإطلاق المجازي الذي هو أجنبيّ عن الدلالة الوضعية. أو إشارة إلى: أن هذا التوجيه يوجب الخروج عن موضوع كلامهم، حيث إنّ مورد البحث - على القول بالاقضاء بأيّ نحو من أنحاء الاقتضاء - هو تعدّد الحكم الموجب لتعدّد العقاب على تقدير المخالفة، و التوجيه المزبور ينفى التعدّد، لأنّ المفروض وحدة الطلب المنسوب إلى الفعل حقيقة، و إلى الترك مجازاً، فلا تعدّد في الطلب حقيقة، و إنّما الاختلاف في مجرد اللفظ و التسمية.»<sup>۲</sup>

۳. درباره حقیقت و جوب ما در سال پنجم اصول [از ص ۱۱ تا ص ۵۳] به طور مفصل سخن گفتیم: مبنای مختار آن بود که:

۱. مشکینی اردبیلی، ابوالحسن، کفایة الأصول (با حواشی مشکینی)، ج ۲، ص ۲۸.

۲. جزایری، محمدجعفر، منتهی الدراية فی توضیح الكفاية، ج ۲، ص ۴۶۳.



## ❖ مبنای مختار:

با توجه به اشکال و جواب های مطرح شده می توان گفت:

- ۱) امر انشاء است و ایجاد موضوع می کند برای اعتبار عقلایی (بعث اعتباری)
- ۲) در هر امر کردن دو اراده موجود است یکی اراده بعث و یکی اراده تکلم.
- ۳) امر مصالح را درک می کند. تفاوت مصالح در اهمیت به تفاوت شوق و تفاوت اراده بعث منتهی می شود.
- ۴) تفاوت اراده بعث باعث می شود که امر گاه اراده کند تا موضوع بعث شدید را ایجاد کند و گاه اراده کند تا موضوع بعث ضعیف را ایجاد کند.
- ۵) بعث اعتباری قابل شدت و ضعف است و دلیلی بر اینکه اعتباریات دارای تشکیک نباشند، نداریم. بلکه ثابت کردیم که می توان در اعتباریات هم قائل به تشکیک خاصی شد.
- ۶) توجه شود که شدت و ضعف در یک امر اعتباری، خود امری اعتباری است و با توجه به آثاری است که آن امر اعتباری دارد. پس اگر نتوانیم آثار امر اعتباری را کم و زیاد تصور کنیم، امر اعتباری قابل شدت و ضعف نیست چراکه اعتبار کاری عقلایی است و اگر ثمره ای بر آن مترتب نیست، عقلا آن را اعتبار نمی کنند. و چون بعث اعتباری امری است که می تواند آثار کم و یا زیاد داشته باشد، قابل این هست که به نحو شدید و یا ضعیف اعتبار شود.
- ۷) اگر متکلم در مقام طرح امر استحبابی باشد، همین جدول مطرح می شود با این تفاوت اراده بعث، اراده ضعیفه است.
- ۸) توجه به این نکته مهم است که در «امر کردن» دو اراده است؛ اراده بعث و اراده تکلم. ممکن است اراده بعث شدید باشد ولی اراده شدیده نسبت به تکلم موجود نباشد [یکسال قبل از وقت عمل، یک مطلب واجب را اعلام می کند در این صورت اعلام زود هنگام، واجب نیست اگرچه مضمون و ماده واجب است]
- ۹) وجوب مفهوم انتزاعی از بعث شدید اعتباری است و استحباب هم مفهوم انتزاعی از بعث ضعیف اعتباری است.



۱۰) هم بعث اعتباری شدید و هم مفهوم انتزاع شده از آن بسیط هستند.

۱۱) شدت و ضعف در حقیقت بعث، عامل تمایز آنها است.

۱۲) مقارنات کلام، دخالتی در ایجاد شدت و ضعف بعث اعتباری ندارند بلکه صرفاً علامات و کاشف از آن هستند.

این قلت: وقتی گفته شد، وجوب مفهوم انتزاع شده از بعث اعتباری شدید است، و استحباب، مفهوم انتزاع شده از بعث اعتباری ضعیف است، در حالیکه می دانیم برخی از مستحبات اقوی از مستحبات دیگر و برخی از واجبات از واجبات دیگر اشد هستند، حال جای این سوال باقی است که کدامین مرتبه از بعث اعتباری شدید است و کدامین مرتبه ضعیف. کما اینکه باید معلوم شود قوت و ضعف استحباب و وجوب ناشی از چیست و چگونه معلوم می شود.

قلت: وقتی پذیرفتیم که آمر می تواند بعث اعتباری را در مراتب مختلف از حیث شدت و ضعف اعتبار کند، می گوئیم اینکه کدام مرتبه از شدت، اقل مراتب وجوب است و کدام مرتبه از بعث، شدید است و کدام اقل و ضعیف است را باید از مقارنات خارجیه به دست آورد. و لذا اگر از دلیل دیگر استفاده کردیم که آمر راضی به ترک نیست، معلوم می شود که بعث شدید است و اگر استفاده کردیم که آمر راضی به ترک هست، معلوم می شود بعث مذکور، بعث ضعیف است. کما اینکه ممکن است آمر در مقام مقایسه و تراحم دو واجب یکی را بر دیگری ترجیح دهد، در این صورت می فهمیم بعث در راجح اشد است.

